

تبیین ساختار هندسی و تفسیر آیه ۲۱ سوره روم در مقارنه آرای علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی

فرشته مرزبان^۱

فاطمه علایی رحمانی^۲

زهرا صرفی^۳

چکیده

آیه ۲۱ سوره روم - از آیات کاربردی قرآن کریم - به دلیل اختلاف دیدگاه مفسران و مترجمان حاوی ابهامات مختلفی در برونداد مفاد وحیانی است که موجب برداشت نادرست مخاطب در فهم منطوق الهی شده است. در این مطالعه با نگاهی همه‌جانبه جهت رسیدن به مفهوم دقیق‌تر، ضمن بیان کلیت دیدگاه مفسرین به‌طور ویژه به تحلیل مقایسه‌ای دیدگاه طباطبایی و جوادی آملی دو مفسر نامدار عصر حاضر و برخی ترجمه‌های فارسی معاصر (موسوی همدانی، ثقفی تهرانی، مشکینی، بلاغی، فولادوند، نوبری و خسروی) پرداخته شده است. دیدگاه طباطبایی و جوادی آملی در ارتباط با منطوق آیه کاملاً متفاوت با یکدیگر است به گونه‌ای که طباطبایی بدون در نظر گرفتن معیارهای تفسیری و هدف غایی سوره به اهمیت نقش آرامش جسمی زن و مرد در توالد و تناسل جهت تشکیل خانواده و اجتماع قائل است برخلاف جوادی آملی که منطوق ارتباط تعلیلی خلقت ازواج را ناظر به حکیمانه بودن تفاوت مسئولیت‌ها متناسب با جنس خلقت، دالّ آرامش‌دهی زن به مرد دانسته است. از طرفی مترجمان نیز در معنایابی موارد فوق، نظر متقنی ارائه نکرده‌اند. پژوهش حاضر با تبیین ساختار هندسی و نظر داشت ارتباط مفهومی آیه (نشانه توحیدی) در راستای هدف کلی سوره (معاد)، هدف شارع مقدس را کاربست فضیلت تکوینی ویژه زن و اهمیت آن در برقراری مودت و رحمت برای ثبات خانواده و بالندگی اجتماع بشری می‌داند.

واژگان کلیدی

آیه ۲۱ سوره روم، فضیلت ویژه زن، محمدحسین طباطبایی، عبدالله جوادی آملی.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران.

Email: F.Marzban@alzahra.ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: f.alaaee@alzahra.ac.ir

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران.

Email: sarfi@alzahra.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۹/۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۴

طرح مسأله

بنیان خانواده در جوامع مختلف، اثرگذارترین واحد تربیتی و خاستگاه فرهنگ و تمدن در تاریخ بشر است. جوامع گوناگون مطابق خاستگاه ملی و فرهنگی خود جهت ارتقای سطح کیفی نهاد خانواده راهکارهایی ارائه کرده‌اند که از سوی اندیشمندان مختلف مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. در این میان مکتب اسلام با داعیه جامعیت و جاودانگی با اهتمام به این نهاد بنیادی راهبردهای کاربردی را مطرح کرده است که دریافت درک صحیح آیات قرآن کریم یکی از ملزومات اصلی جهت تفکر و کاربست مفاهیم در زندگی است. از دیرباز اندیشمندان اسلامی به بسط لایه‌های عمیق کلام الهی (تفسیر) جهت ارائه نظریات متقن و فهم مجمل و گویایی (ترجمه) پرداخته‌اند. با توجه به همبستگی تفسیر و ترجمه می‌توان گفت یکی از کاربست‌های مهم تفسیر ارائه ترجمه صحیح به مخاطبان است. (کمالی، ۱۳۷۳: ۶۵)

در این میان آیه «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَبِرُونَ» (روم: ۲۱) یکی از آیات کاربردی مستفاد در زندگی زناشویی و مؤثر در روابط اجتماعی است که علی‌رغم ارائه رویکردهای مختلف توسط مفسران و مترجمان، مفهوم عبارات حاوی ابهامات زیاد و بعضاً متعارضی با یکدیگر هستند؛ تا جایی که با توجه به رویکردهای ارائه شده و تحقیقات صورت گرفته شائبه یکسان‌انگاری نقش زن و مرد را بر مخاطب القا می‌کند و این مسئله می‌تواند در عصر حاضر همسو با نظرات عدم تفاوت ساختاری زن و مرد در ایفای نقش‌های خانوادگی و اجتماعی آسیب‌های جدی همراه داشته باشد، بر این اساس می‌توان گفت بررسی مفاد آیه برای رهایی مخاطب از آشفتگی دیدگاه‌های مختلف و دریافت واضح کلام و حیانی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

با وجود ارائه دیدگاه‌های مفسران درباره آیه ۲۱ سوره روم تاکنون در مورد پیوستگی ساختار ارتباطی آیه در راستای هدف خاص پژوهشی متقن ارائه نشده است. رضایی اصفهانی و شورگشتی در مقاله علمی ترویجی «تفسیر تطبیقی آیه ۲۱ سوره روم و

روی کرده‌های آن» (ص ۱۳۲-۱۶۳) به دلیل عدم دقت در سیاق، تعمیم مصادیق عبارات به زن و مرد بدون در نظر گرفتن هدف غایی و اذعان بر عدم اختلاف میان برداشت مفسران دستاوردهای جامعی ارائه نکرده‌اند. شورگشتی به همراه قضایی در مقاله کنفرانسی دیگر تحت عنوان «نگاهی نو به سنت زوجیت و کار جمعی در قرآن با محوریت آیه ۲۱ سوره روم» با اطلاق زوجیت به قانونی فراگیر از مقصود اصلی آیه دور شده‌اند.

با توجه به افتراق جدی برداشت‌های مفسران و مترجمان و لزوم درک صحیح پیام الهی، تحلیل و بررسی مفهوم دقیق‌تر آیه از اهمیت به سزایی برخوردار است. بر پایه این امر پژوهش حاضر ضمن نمایاندن کلیت نظریات مفترق مفسران معاصر، به تحلیل تطبیقی دیدگاه‌های طباطبایی و جوادی آملی دو مفسر نامدار و برخی تراجم فارسی معاصر، جهت کشف نظریه مستدل و واضح برای مخاطبان پرداخته است. شایان ذکر است که دلایل انتخاب تفاسیر المیزان و تسنیم، جامعیت و نقاط قوت در نوع ارزیابی و تحلیل آنها از منظر اندیشمندان اسلامی مکتب تشیع با نظر داشت فاصله زمانی تفاوت نیازهای مخاطبان و علت انتخاب ترجمه‌ها اعتبار، معاصر بودن، تفاوت نوع دیدگاه‌ها و توجه مخاطبان است.

بر اساس آنچه گفته شد پژوهش حاضر مترصد پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی است: اولاً دیدگاه کلی مفسران فریقین و نظریه طباطبایی به شکل موردی در تفسیر آیه چیست؟ ثانیاً با توجه به مقتضیات زمان حاضر مفسرانی همچون طباطبایی و جوادی آملی چه نظریات و نقدهایی به دیدگاه‌های گوناگون تفسیری دارند؟ ثالثاً با توجه به رهیافت مترجمان از برداشت‌های مختلف مفسران، دیدگاه آنها در ارتباط با مفهوم آیه چگونه است و چه نقدهایی به آنها وارد است؟ در راستای پاسخ‌گویی جامع به این سؤالات، مقاله پیش‌رو در کشف منطوق ساختار ارتباطی آیه همسو با ساختار هندسی سوره، روی کردی کاملاً متفاوت را در حوزه تفسیری ارائه داده است. گفتنی است که شاکله اصلی آیه با روی کردی نوین طبق نحوه کاربست کلمات و عبارات در سه محور برای نیل به پیام اصلی تحلیل می‌شود.

۱. کاربرد «آیات» و هدف غایی کلام وحی

در محور نخست به علت نحوه کاربرد آغازین و پایانی «آیات» در عبارات «وَمِنْ آيَاتِهِ» و «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» پرداخته می‌شود. به طور کلی، مفسران و مترجمان علی‌رغم تکرار واژه نظری مطرح نکرده‌اند. این در حالی است که بررسی کاربرت کلمات و عبارات با نظر داشت همبستگی ساختار آیات و سور و اهداف معین کلام وحیانی می‌تواند در کشف مراد الهی کمک شایانی کند. از این‌رو در بخش نخست جهت تبیین دقیق‌تر ساختار آیه به ملازمت کاربرد واژه «آیات» و هدف غایی کلام وحی پرداخته می‌شود.

لازم به ذکر است معانی متعددی برای واژه آیات - از ریشه «آیه» - گفته شده است، (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۱۰۱-۱۰۳؛ جفری، ۱۳۷۲: ۱۳۳). که با تغییر معنایی، نخست برای نشانه‌های مادی و ملموس، سپس آثار قدرت خداوند درباره مصادیق آفاقی، انفسی و معجزه به کار رفته است. (عبدالباقی، ۱۳۶۴: ۱۰۳-۱۰۸؛ واعظزاده خراسانی، ۱۳۸۰: ۳۸۹/۴؛ مشکور، ۱۳۵۷: ۱/ ۴۷) پرواضح است که این واژه به معنای علامت و نشان (ابن فارس، ۱۴۱۵: ۱/ ۱۶۸-۱۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۴/ ۶۱-۶۳) با توجه به نشانه بودن هر چیز در قرآن امری است که ذهن مخاطب را به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به وجود باری تعالی رهنمون می‌سازد. بنابراین با عنایت به تأکیدات مقارن پیام شارع در آیه مذکور بررسی نقش ارتباط مفهومی عبارات برون آیه در مقایسه با آیات دیگر قرآن (روابط هم‌نشینی) و عبارات به هم پیوسته درون آیه (نشانه‌شناختی مدل یا کوبسن) واژه امری ضروری است.

۱-۱) معناشناسی واژه «آیه» براساس روابط هم‌نشینی

مطابق پیوستگی زنجیره‌وار مفاد وحیانی، روابط هم‌نشینی^۱ عبارات «وَمِنْ آيَاتِهِ» و «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» براساس علم معناشناسی در سه ساختار ارزیابی می‌شود. در ساختار نخست کاربرت آغازین «وَمِنْ آيَاتِهِ» در دو محور آیات انفسی در مورد انسان (روم/ ۲۳ تا ۲۰) و نشانه‌های آفاقی (روم/ ۲۵-۲۲) در ساختار دوم کاربرت پایانی «إِنَّ فِي

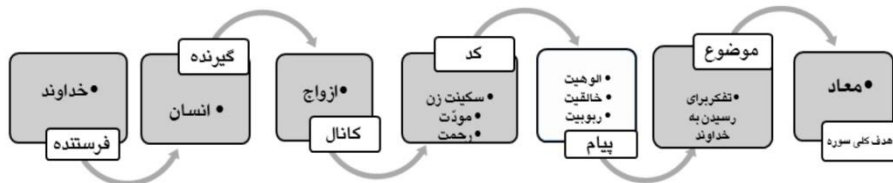
ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» در دو محور آیات انفسی (روم / ۲۱؛ زمر / ۴۲) و آفاقی (رعد / ۳؛ نحل / ۱۳؛ زمر / ۴۲؛ جاثیه / ۱۳) و در ساختار سوم نیز کاربست ابتدایی «وَمِنْ آيَاتِهِ» و انتهای «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ» در دو محور آیات انفسی و آفاقی (روم / ۲۴ تا ۲۱) جهت تشریح خالقیت خداوند، ربوبیت الهی و معاد رهنمون است. (ر.ک: نوری افشان، فتوت احمدی، ۱۳۹۴: ۱۷۱-۱۸۰).

با توجه به توضیح داده شده مفهوم مستفاد مشترک در آیه مذکور ارائه اسناد توحیدی (خالقیت، ربوبیت و مالکیت) در مقدمه: «وَمِنْ آيَاتِهِ» و نتیجه آیه: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» است تا انسان با بهره‌مندی از تفکر بتواند به درک پیام اصلی (نشانه ویژه الهی) در راستای هدف سوره (معاد) برسد. (خامه‌گر، ساختار هندسی سوره‌های قرآن، ص ۲۹۵) علاوه بر این استعمالات تأکیدی همچون خبرمقدم و مبتدای مؤخر، «إِنَّ»، «ذَلِكَ» - نشانگر علو رتبه خطاب شده -، ارجاع اسم اشاره تأکیدی «ذَلِكَ» به «مِنْ تَبْعِيضِهِ»، «لَامِ مَزْحَلِقِهِ»، «آيَاتٍ» به صورت نکره و شاخص تفکر دال رابطه عموم و خصوص مطلق میان «وَمِنْ آيَاتِهِ» (عام) «أَنَّ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (خاص) «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ» (خاص) «لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» است که ذهن مخاطب را به توجه ویژه نشانه خاص با تفکر در نشانه‌های نهفته درون آن هدایت می‌کند.

۲-۱) مدل ارتباطی نشانه‌شناختی یا کوبسن در ارتباط با واژه «آیه»

در علم زبان‌شناختی مدل ارتباطی یا کوبسن^۱ از الگوهای نوین شناخت اجزای جمله از طریق عناصر اصلی شکل‌دهنده ارتباط (فرستنده، گیرنده، موضوع، پیام، کد و کانال) (احمدی، ۱۳۹۴: ۱۳۷؛ چندلر، ۱۳۸۷: ۲۵۹-۲۶۰) و برجسته‌سازی کارکردهای زبانی (ارجاعی، عاطفی، ترغیبی، ادبی، همدلی و فرازبانی) هدف پیام را مشخص می‌کند. (صفوی، ۱۳۹۴: ۷۳-۲۶۰) براساس مدل ارتباطی یا کوبسن، عناصر اصلی آیه بیست و یک سوره روم، فرستنده (خالق ازواج)، گیرنده (انسان)، کانال (ازواج)، کد (سکینت، مودت و رحمت)، موضوع (تفکر برای رسیدن به خداوند) و پیام (الوهیت، خالقیت و ربوبیت) در

راستای هدف کلی سوره (معاد) است. در کارکردهای زبانی مدل یا کوبسن، نشانه انفسی (رمزگان) جهت برجسته‌سازی پیام آیه (وجود خالق مدبر و شکل دهی باور به جهانی دیگر غیر از جهان هستی) برای ارائه ساختاری نوین ارتباطی میان فرستنده و پیام است. در کارکرد ترغیبی نشانه‌هایی از سوی خداوند برای جلب توجه و تفکر گیرنده (روم: ۲۱-۲۵) جهت سوق به هدف اصلی پیام (معاد) مطرح شده است. رسیدن به وجود خداوند و تفکر و تأمل (آمیختگی و برجسته‌سازی نقش تفکر و آیه پنداشتن خلقت ازواج) در کارکرد ارجاعی مشترک قرار می‌گیرند. غیبی بودن پیام (نشأت غیبی آفرینش همسران، سکون و مودت و رحمت بر اساس واژگان خَلَقَ و جَعَلَ که مبدأ ماورائی دارند)، امتزاج دو کارکرد دنیایی (آرامش توأم با خلقت ازواج) و کارکرد آخرتی (سوق مخاطب به وجود خداوند، برای سعادت‌مندی دنیوی و اخروی و رسیدن به رضوان الهی و بهشت) از کارکردهای فرازبانی محسوب می‌شوند. پرواضح است که طبق روش یا کوبسن الگوهای ترکیبی اعم از مادی (خلقت ازواج) و غیرمادی (سکون و مودت و رحمت) به عنوان نشانه جهت تبیین مسائل فرامادی در قالب ظهور امر خارجی (انتقال از امر معقول به محسوس) برای تفهیم حقایق ویژه است. (ر.ک: حمیدی، قائمی نیا، رضایی اصفهانی، ۱۴۰۲: ۲۱-۵۶)



مطابق تبیین ارتباطی ساختار برون‌ی (معناشناسی) و درونی (مدل یا کوبسن) واژه آیات می‌توان گفت با وجود اهمیت نقش راهبردی آیات در کشف هدف اصلی مفسران بدان اهتمامی نداشته‌اند. طباطبایی کارکرد آن را محدود به سوق زن و مرد در اصول تکوینی جهت تشکیل خانواده و اجتماع برای بقاء می‌داند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶/۱۶۷) جوادی آملی نیز جهان هستی را نشانه توحید و نظم آن را آیت حقانیت و معاد می‌داند، بدین معنا که مخلوقات نشانه ذات اقدس الهی‌اند که هدف والایی را دنبال می‌کنند. (جوادی آملی، ۱۴۰۱: ۶۴/۴۱۵-۴۲۰) لازم به توضیح است که برخلاف نگاه گذرای دو مفسر، کارکرد

واژه آیات طبق بررسی ساختار گرایانه پژوهش حاضر دارای نقش به‌سزایی در انتقال پیام الهی است که با تشریح محور دوم و سوم پژوهش نمایان تر می‌شود.

۳-۱) ترجمه‌های فارسی معاصر

با توجه به همبستگی تفسیر و ترجمه جهت ارائه فهمی متقن، می‌توان گفت بعد از تبیین عدم اهتمام ویژه مفسران به محور نخست، باز کاوی نظریات مترجمان نیز امری ضروری است. گفتنی است که برخی مترجمان نظیر موسوی همدانی، ثقفی تهرانی، خرم‌شاهی و فولادوند آیه را به عنوان نشانه جزئی جهت عبرت گرفتن متفکران می‌دانند، به عنوان مثال موسوی همدانی گوید: «و یکی از آیات او این است ... در همین آیت‌ها هست برای مردمی که تفکر کنند.» ولی مشکینی و خسروی آن را جهت شناخت اوصاف الهی می‌دانند، برای نمونه مشکینی می‌گوید: «و از نشانه‌های او این است ... همانا در این امر نشانه‌هایی است (از توحید، قدرت و حکمت خدا) برای گروهی که می‌اندیشند.»

از سوی دیگر مترجمانی همچون بلاغی آیه را بیان یکی از اوصاف الهی به عنوان دلیلی برای متفکران می‌داند: «و از دلایل قدرت خداست ... البته در آنچه ذکر شد دلالتی است برای قومی که تفکر می‌کنند.» ولی نویری آن را برهانی برای شناخت اوصاف الهی تلقی می‌کند: «و باز از دلایل و براهین قدرت کامله خداوند تعالی این است ... در این امر ازدواج برای جماعتی که به قدرت و عظمت خداوند تعالی فکر و تأمل کنند دلیل و برهان موجود است.» با نظاره تراجم گوناگون ماحصل مذاقه در ترجمه‌های فوق بدین قرار است: مشکینی و خسروی با حصر نشانگری اوصاف الهی (توحید، قدرت و حکمت) و بلاغی و نویری نیز با حصر اوصاف (قدرت و عظمت) موجب محدودیت فهم آیه شده‌اند.

در مجموع باید گفت با نظر داشت کنکاش درونی (روابط هم‌نشینی) و برونی (نشانه‌شناختی یا کوبسن) آیات در راستای نشانگری پیام آیه با محوریت اسناد توحیدی مترجمانی مانند موسوی همدانی و ثقفی تهرانی، خرم‌شاهی و فولادوند تا حدودی در ارائه مفهوم این بخش از آیه موفق عمل کرده‌اند ولی ترجمه دقیقی برای عبارات تأکیدی نظیر «إِنَّ» نگفته‌اند لذا به صورت کلی نمی‌توان ترجمه آنها را تأیید کرد. با عنایت به جزئیات معنایی دقیق آیه ترجمه پیشنهادی عبارت است از: «و از جمله نشانه‌های خداوند ... قطعاً در

آن، نشانه‌هایی برای متفکران است.».

۲. ارتباط تعلیلی خلقت ازواج و آرامش زوجین

شارع حکیم در جمله تعلیلیه «أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» نشانه هدفمندی را لحاظ می‌کند از این نظر که آیات یا برای همه متبادر به ذهن است و یا به قرینه داخلی یا خارجی روشن می‌شود و طبق علم الهی اگر در آیه‌ای دیگر به آن اشاره شده باشد مجدد ذکر نشده است. از طرفی با نظر داشت دیدگاه‌های مفسران ذیل آیه مذکور می‌توان گفت که بیشتر روی کردهای تفسیری دارای شواهد متقن قرآنی، قرینه محکم، موافق با سیاق و گاه متبادر به ذهن نیستند، لذا در محور دوم جهت تحلیل دقیق‌تر ابتدا با نگاهی گذرا به نوع عملکرد مفسران، دیدگاه طباطبایی و جوادی آملی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و سپس از رهگذر تحلیل تفسیری با کنکاش تراجم دیدگاه ارجح گفته می‌شود.

۱-۲) تقریر دیدگاه مفسران

مفسران در ارتباط با این بخش از آیه دارای چهار طیف تفسیری هستند؛ گروهی قائل به خلقت زن از مرد جهت آرامش دهی جسمی و روحی زن به مرد هستند (مبیدی، ۱۳۷۱: ۴۴۱/۷) و برخی خلقت زن از حقیقت واحده - مشترک میان زن و مرد - را جهت آرامش دهی روحی زن به مرد می‌دانند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۹۵۷/۲؛ جوادی آملی، ۱۴۰۱: ۴۱۲/۶۴-۴۳۰) گروهی دیگر خلقت زن و مرد را برای آرامش دهی جنسی طرفین (سید قطب، ۱۴۰۱: ۲۷۶۳/۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶/۱۶۶) و عده‌ای خلقت زن را از ضلع مرد برای آرامش دهی جسمی و روحی طرفین می‌دانند. (ر.ک: ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۳۳/۲۱؛ فخررازی، ۱۳۷۵: ۹۱/۲۵)

لازم به توضیح است که با توجه به افتراق وسیع دیدگاه مفسران، پاسخ به نظریات هر طیف از گنجایش پژوهش حاضر خارج است، لذا با نگاه مقدماتی به کلیت دیدگاه‌ها و نظر داشت جایگاه تفسیری طباطبایی به تحلیل نظریه طباطبایی و جوادی آملی دو مفسر بارز تشیع اهتمام می‌شود. در این میان طباطبایی (در گذشته ۱۴۱۲ق) با تعمیم خطاب

«أَزْوَاجًا» به زن و مرد «لِئَسْكَنُوا إِلَيْهَا» را محصور در کسب آرامش جسمی از طریق ارضای جنسی زن و مرد و مرجع ضمیر إليها را نفس انسان می‌داند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶/۱۶۶) ایشان معتقد است یکی از اهداف خلقت انسان ایجاد آرامش برای ارضای میل جنسی جهت توالد و تناسل بشریت در خانواده و تشکیل اجتماع بشری است.

باید دقت نمود که طبق روی کرد طباطبایی این سؤال مطرح می‌شود که پس چه ضرورتی بر بیان مکرر آیه با توجه به نقل مفهوم آن در آیات دیگر (ر.ک: اعراف: ۱۸۹) با وجود استعمالات تأکیدی است؟ و اگر پیام خداوند متفاوت است در آیه مذکور چه هدفی دنبال می‌شود؟ جهت پاسخ دقیق باید ابعاد نظریه طباطبایی مورد کنکاش واقع شود. بر این مبنا می‌توان گفت دو نکته دیدگاه طباطبایی را تأیید می‌کند؛ نخست اینکه معنای «أنفس»، ضمیر «کُم» و مرجع ضمیر «إلیها» به ذات انسان برمی‌گردند و «أزواج» بر دو جفت نر و ماده اطلاق می‌شود. دوم متعلق تعلیلی «أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا» دلالت بر آرامش جسمی با ارضای میل جنسی - به عنوان پیوند محکم زناشویی - دارد، نه صرفاً آرامش روحی و جسمی، زیرا در ادامه آیه با تأثیر گذاری این نیاز فطری، ابراز محبت در خانواده و اجتماع نیز تحقق می‌یابد.

طبق دیدگاه طباطبایی آرامش جسمی میان زوجین در ثبات خانواده و استحکام جامعه نقش مهمی دارد زیرا مشکلات نهاد خانواده به اعضای آن محدود نمی‌ماند و در نهایت جامعه با مسائل اساسی نظیر کمی یکپارچگی میان اعضای خانواده، فزون فساد و مشکلات جسمی و روحی در اثر نبود کانون خانواده و تزلزل پایه‌های اجتماعی کشور روبرو خواهد شد. لذا انسان‌ها باید با ایجاد آرامش از طریق ارضای میل جنسی به دنبال هدفی والاتر یعنی تشکیل خانواده و احساس مسئولیت بیشتر نسبت به اجتماع باشند و از آنجایی که برخی انسان‌ها خود را از این موهبت الهی محروم می‌کنند، لذا شارع بعد از بیان نشانگری تعلیلی تشکیل خانواده به وجود نشانه‌های زیادی در آن برای انسان‌های اندیشمند اشاره می‌کند. لازم به ذکر است که نظریات علامه در آیات دیگر نیز جهت ارائه دیدگاه‌های ایشان مورد مطالعه قرار گرفته شده است که البته جهت ارائه دلایل متقن به برخی آیات نیز اشاره شده است.

۲-۲) نقد و ارزیابی

مطابق توضیح داده شده در این بخش به تحلیل و نقد دیدگاه طباطبایی پرداخته می‌شود. در حله نخست باید متذکر شد طباطبایی و جوادی آملی در مورد ساختار ظاهری آیه نظری نداده‌اند؛ این در حالی است که «مِن» تبعیضیه، تکرار «آیات»، «أَنْ» مصدریه موصوله (دعاس، حمیدان، ۱۴۲۵: ۱۳/۳) برای امتزاج عبارات با «مِن» جاره ابتدای غایت، «أَنْفُسِكُمْ» به جای «مِنْكُمْ»، «إِنَّ»، «ذَلِكَ» و «لَا مَزْحَلَقَهُ»، جهت ابلاغ پیامی مهم‌تر از خلقت زن و مرد - با وجود ذکر آن در آیات دیگر (اعراف: ۱۸۶) - حرف «لَ» در «لَكُمْ» دلالت بر بهره‌مندی از منفعت خاص (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۷۵۴) و ذکر «أَزْوَاجاً» نیز برخلاف دیدگاه طباطبایی در قرآن (ر.ک: بقره: ۲۴۰) و فرهنگ عرب (طریحی، ۱۳۷۵: ۳۰۸/۲) برای جنس مؤنث نیز آمده است.

در ارتباط با تبیین منطوق خلقت ازواج از آنفُس باید گفت با تغییر نقش «مِن» دو دیدگاه حاصل می‌شود؛ یکی عبارت «مِن» ابتدای غایت که شروع موجود شدن و غایت برای تکامل است و دیگری «مِن» تبعیضیه که ایجاد چیزی از چیز دیگر به عنوان مخلوق متفرع است که از ارزش ذاتی منفعتی آن نیز کاسته می‌شود. (ابن هشام، ۱۳۷۸: ۲۹۷/۳) طبق این گفتار طباطبایی خلقت ازواج از انفس را دالّ آفرینشی مبنی بر جنس وجودی زن و مرد تلقی می‌کند که دارای نقص وجودی هستند و باید با گرایش به سوی طرف مقابل آن را برطرف کنند. این در صورتی است که این نگرش به نیاز پایه‌ای هر جفت برمی‌گردد که در راستای تأکیدات آیه دیدگاهی مبتدی انگاشته می‌شود.

لازم به توضیح است که جوادی آملی برخلاف دیدگاه طباطبایی «مِن أَنْفُسِكُمْ» را «مِن حَقِيقَتِكُمْ» مبنی بر حقیقت یکسان زن و مرد از انسانیت می‌داند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (نساء: ۱) به این معنا که برای بقاء نسل از همین نوع مرد سنجی را به نام زن آفرید و دستگاه مادری را همانند دستگاه پدر شدن تعبیه کرد (جوادی آملی، ۱۴۰۱: ۴۱۴/۶۴) تا هریک متناسب با نوع خلقت وجودی خود ایفاگر نقش مختص به خود باشند. گفتنی است که نگرش جوادی آملی موجب ارتقای سطح تفسیری آیه جهت رسیدن به تفکری نو قلمداد می‌شود.

مفسران به‌ویژه طباطبایی و جوادی آملی در مورد معنای مستفاد از ترکیب «سَكَنَ» با «إلی» نظری نداده‌اند، این در حالی است که عمده اختلاف نظرها به این قسمت برمی‌گردد. در این راستا می‌توان گفت «سَكَنَ» با «إلی» به معنای آرامش یافتن عاملی توسط عاملی دیگر (اعراف: ۱۸۹؛ روم: ۲۱) و «سَكَنَ» و «لام مفتوحه» به معنای آرامش دادن عاملی به عوامل دیگر است؛ (توبه/ ۱۰۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۴۱۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۱۱/۱۳) بنابراین از نظر لغوی براساس ترکیب مذکور خطاب آیه به یکی از زوجین است، از طرفی باید دقت نمود که اگر آرامش طرفین مد نظر بود، شارع باید جهت پرهیز از مکررات عبارت «لِئَسْكُنَ بَيْنَكُمْ / مَعَهُمْ» و «جَعَلَ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً» را به کار می‌برد.

قابل ذکر است که از نظر سیاق بیانی لفظی نیز «إلی» دال بر غایت-آرامش روحی- (دسوقی، ۲۰۰۶: ۶۸) و ظرف «عند» بیانگر آرامش جسمی است. (شهبازی، ۱۳۹۶: ۵۶-۶۰) از طرفی مقصود کنایی استعمال واژه «أزواجاً» دال رابطه زناشویی شرعی است که موجب احساس تعلق و آرامش روحی با پذیرش نقش‌ها در برابر سختی‌ها می‌شود، برخلاف ارضای جنسی طرفین که در ارتباط آزاد موجب پیوند محکم طرفین نمی‌شود. (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۸/۱۱۵؛ جوادی آملی، ۱۴۰۱: ۶۴/۴۱۳) از نظر سیاق معنوی نیز نتایج غایی آیه به عنصر اصلی سکینت-عاطفه، محبت و مهربانی- با پذیرش نقش همسری و مادری أرجحیت دارد. (جوادی آملی، ۱۴۰۱: ۶۴/۴۲۰-۴۲۸) براساس توضیحات ارائه شده می‌توان گفت دیدگاه طباطبایی مبنی بر حصر سکون از طریق ارضای جنسی درست ارزیابی نمی‌شود.

طبق ادعای عدم وجود تکرار پیام در دو آیه توسط حکیم علی‌الإطلاق مقایسه تطبیقی ترکیب «زوج»، «سَكَنَ» و «إلی» در سوره اعراف و روم جهت کشف فهم بهتر آیه الزامی است. نخست اینکه در آیه ۱۸۹ اعراف، به خلقت مرد و سپس زن و آرامش یافتن مرد از زن جهت باروری و بقای نسل خبر داده است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْنَا صَالِحًا لَنُكَوِّنَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ» هرچند که در این آیه نیز نمی‌توان «لِئَسْكُنَ إِلَيْهَا» را فقط به آرامش جسمی تعمیم داد زیرا آمیزش و بقای نسل را جزئی از آرامش مطرح کرده

است. از طرف دیگر در آیه ۲۱ سوره روم با تأکید چندجانبه بر اعطای نعمتی به عنوان نشانه الهی می‌توان گفت آیه مذکور دلالت بر پیامی فراتر از حصر آرامش جسمی دارد (همو).

باید دقت داشت که ترکیب ممزوجی «زوج»، «سکن» و «الی» در آیات ۱۸۹ سوره اعراف و ۲۱ سوره روم به معنای فزونی رغبت (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۳۳/۲۱) و اهتمام بیشتر (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳۶/۴) جهت سوق به بهره‌مندی از چیزی است که از آن می‌توان مقدم شدن مرد در بهره‌مندی از فضیلت خاص زن را استنباط نمود؛ بدین ترتیب که یکی از راه‌های کسب آرامشی عمیق رفتن به سوی زن و تشکیل خانواده و بقای نسل بشری است. از طرف دیگر طبق قاعده نحوی عود ضمیر بر مرجع (متأخر لفظاً و رتبه)، برگرداندن ضمیر «إلیها» به «أزواجاً» ارجحیت دارد و می‌توان گفت ضمیر «ها» به ریشه «أزواجاً» یعنی زوجه بر می‌گردد.

جوادی آملی ذیل آیه ضمن بیان فضیلت خاص زن، تهیه مسکن را بر عهده مرد می‌داند (جوادی آملی، ۱۴۰۱: ۴۱۶/۶۴-۴۲۰) این در حالی است که طبق روابط هم‌نشینی در قرآن، مسکن با «سکن» و حرف جرّ «فی» و «من» آمده است. (ر.ک: طلاق: ۶؛ ابراهیم: ۳۷) از طرفی ممکن است گفته شود در جوامع امروزی زن نیز می‌تواند علاوه بر سکونت - فضیلت خاص خود - عهده‌دار تهیه مسکن نیز باشد؛ ولی در پاسخ باید گفت اولاً با توجه به مراد اصلی شارع بیان تهیه مسکن توسط مرد در کنار سکونت بخشی زن به مرد دقیق ارزیابی نمی‌شود، ثانیاً طبق حکیمانه بودن خلقت و جودیت زن و مرد و تناسب پذیرش نقش‌ها در راستای رسیدن به تکامل و جودیت می‌توان گفت تهیه مسکن در حیطه مسئولیت مرد و آرامش دهی زن در خانواده فضیلت ذاتی او است.

مطابق ارزیابی‌های صورت گرفته می‌توان گفت طباطبایی با وجود اهتمام به معیارهای تفسیری خود در المیزان نسبت به مواردی همچون سازگاری با آغاز و فرجام آیات قرآن، بهره‌گیری از قواعد نحوی و بلاغی، شناخت و استفاده از حروف، تعیین معنا و مفهوم مفردات و واژگان قرآن، تشخیص و تطبیق اشاره و مشارالیه و تشخیص صحیح ضمائر، همسانی و همگونی با ظاهر دیگر آیات قرآن، چگونگی ارتباط آیات قبل و بعد با یکدیگر

و تشخیص لحن و مقام آیات (ر.ک: مروتی، ناصری کریموند، ۱۳۹۱، ۲۵-۳۸) در آیه مذکور اهتمام نداشته است لذا نظریه ایشان از اتقان لازم جهت سوق به پیام اصلی برخوردار نیست.

خلاصه آن که طباطبایی در ارتباط با این فقره از آیه بدون نظر داشت به غرض اصلی سوره، به هم پیوستگی عبارات آیه و تأکیدات مکرر دیدگاهی مقارن با نیازهای فطری ابتدایی انسان ارائه داده است که با ژرف‌اندیشی در سیاق و هدف کلی سوره به‌عنوان استوارترین دلیل دریافت پیام الهی، ارتقای مبنایی تفسیری دیدگاه طباطبایی امری ضروری است؛ از طرفی می‌توان از رهگذر دیدگاه جوادی آملی با نظر داشت کلیت آیه مذکور در راستای تساوی خلقت و تناسب پذیرش مسئولیت زن و مرد طبق جنس وجودی که معطوف به آرامش دهی زن و به تبع آن ایجاد مودت و رحمت از طریق تشکیل خانواده و اجتماع بشری است، مخاطب را به تعمق در مورد موضوع مهم معاد در مسیر الوهیت، خالقیت و ربوبیت الهی رهنمون سازد.

۲-۳) ترجمه‌های فارسی معاصر

مترجمان فارسی معاصر در ترجمه این فقره از آیه به سه صورت عمل کرده‌اند. برخی نظیر مشکینی، خرم‌شاهی و فولادوند مخاطب را زن و مرد و آرامش را به‌صورت کلی می‌آورند، برای نمونه خرم‌شاهی می‌گوید: «برای شما از نوع خودتان همسرانی آفرید که با آنان آرام گیرید.» از طرفی موسوی همدانی و ثقفی تهرانی آرامش را منوط به میل جنسی می‌دانند، برای مثال موسوی تهرانی گوید: «برای شما از خود شما همسرانی خلق کرد تا به سوی آنان میل کنید و آرامش گیرید.» برخی دیگر همچون بلاغی، نوبری و خسروی نیز مخاطب آیه را زن و آرامش را در میل جنسی محصور می‌کنند. بلاغی با حصر منفعت برای مردان گوید: «به سود شما (مردان) از نفوس خود شما، زنان را آفرید تا به سوی آنها (میل کنید و) آرام گیرید.» نوبری و خسروی نیز هم‌جنس بودن را دلیل گرایش می‌دانند: «برای شما طایفه مردم از جنس خودتان جفت (زنان) خلق نمود تا به سبب هم‌جنس بودن به آنها تمایل کرده الفت گیرید.»

ماحصل مذاقه در ترجمه‌های فوق بدین شرح است؛ موسوی همدانی، ثقفی تهرانی،

مشکینی، خرم‌شاهی و فولادوند «أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا» را تعمیم به زن و مرد می‌دانند. این در حالی است که با تأمل در مفهوم ادامه آیه این روی کرد دقیق به نظر نمی‌رسد و اختصاص معنای عبارت به نوع زن مطابق تراجم بلاغی نویری و خسروی، ظاهراً معنای مناسب‌تری است زیرا بیانگر معنای «أَنْفُسِكُمْ» به «حقیقت واحده‌تان» هستند. از طرفی معنای «أَزْوَاجًا» نیز به دو صورت عام (جفت‌ها، همسران) و خاص (زن) آمده که بنا بر تحلیل صورت گرفته، دیدگاه گروه دوم دقیق‌تر ارزیابی شد. از طرفی با تدقیق نقش حروف در معنادهی افعال، ترجمه «إلی» به صورت به (ثقفی تهرانی، فولادوند)، به سبب (نویری)، با (خسروی و خرم‌شاهی)، در (مشکینی) محل اشکال است. در این میان موسوی همدانی و بلاغی با معنای «به‌سوی» نظر بهتری را ارائه داده‌اند.

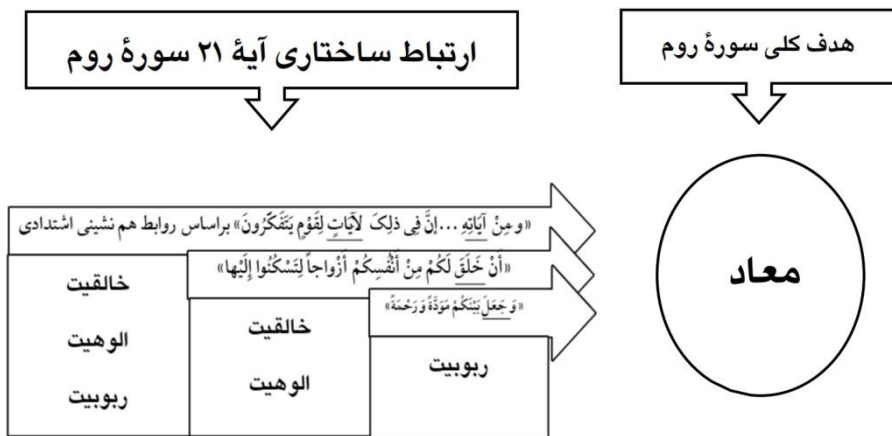
مترجمانی نظیر موسوی همدانی، ثقفی تهرانی و خسروی در راستای برداشت شخصی خود برای «سکن»، ترجمه‌هایی نظیر میل کنید، خواهان آنها شوید، تمایل کرده الفت گیرید، الفت گیرید و با یکدیگر تمایل و انس و آرامش حاصل نمائید، احساس آرامش کنید، کنار او آرامش یافته و با هم انس گیرید را گفته‌اند که مطابق دیدگاه ارجح دارای اشکالاتی هستند. بنابر آنچه ذکر گردید می‌توان گفت که ترجمه‌های مذکور مطابق با مراد اصلی شارح نیست و معنای پیشنهادی عبارت است از: «که برای شما مردان از حقیقت واحده‌تان همسرانی (زنانی) را خلق کرد تا به‌سوی آنها آرامش یابید».

۳. ارتباط‌دهی مودت و رحمت در منطوق سکینت

با توجه به ساختار ارتباطی آیه عبارت «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» با «واو عاطفه» جهت تشریح «أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» آمده است. از این رو بررسی مفهوم «خَلَقَ» و «جَعَلَ» در راستای پیام آیه مهم است؛ امری که مفسران بدان اهتمامی نداشته‌اند. خَلَقَ ایجاد ابتدایی شیء از سوی خالق در ساحت تکوین و ناظر به الوهیت و خالقیت (فعل خاص) ولی جَعَلَ ایجاد ابتدایی، همزمان و بعد از خلقت در ساحت تکوین و تشریح و ناظر به ربوبیت الهی (فعل عام) است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۱۹۶-۲۹۶) بنابراین می‌توان ادعان نمود یکی از علل ذکر واژه جَعَلَ بعد از خَلَقَ این است که جَعَلَ مقوم هویت ذات و ناظر به علت غایی هدف خلقت است به این معنا که خلقت و سکینت تکوینی

وجودی زن از طریق تصرفات ربوبی الهی موجبات برقراری محبت و تشکیل خانواده و اجتماع بشری را فراهم می‌کند.

یکی از دلایلی که می‌توان بر صحت این نظریه گماشت جابجایی افعال جَعَلَ و خَلَقَ در آیات مختلف است که بنابر هدف شارع مفهوم خاصی القا می‌کنند؛ برای نمونه در آیه «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَنْفُسَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ» (نحل: ۷۲) صبغه ربوبی الهی (گماشتن زوجیت، بقای نسل و اعطای روزی‌های پاک) و در آیه «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم: ۲۱) برقراری مودت و رحمت (علت غایی) را به دنبال خلقت و آرامش‌دهی زن به مرد (علت فاعلی) می‌آورد؛ از این جهت که واژه رحمت به عنوان کنش محبت یک‌طرفه مقوم نظریه سکینت‌بخشی زن به مرد - ناظر به کاربرد جَعَلَ ایجاد شیء از شیء - است. (همان، ۱۹۶) بنابر آنچه گفته شد می‌توان به همبستگی عبارات آیه در بیان الوهیت، خالقیت و ربوبیت الهی همسوی هدف سوره حکم کرد.



۱-۳) تقریر دیدگاه مفسران

مفسران درباره مفهوم مودت و رحمت در آیه سه دیدگاه ارائه داده‌اند؛ گروهی مودت را کنایه از جماع و رحمت را به معنای فرزند می‌دانند. (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷، ۳/۴۷۳) برخی دیگر اعطای وجودی مودت و رحمت را به صورت عام برای همگان از بدو تولد (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۱/۴۰۶) و عده‌ای پدیداری آن را در زمان خاصی میان زوجین می‌دانند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۶/۱۶۷؛ جوادی آملی، ۱۴۰۱، ۶۴/۴۱۲-۴۲۰) با توجه به نظاره اختلاف آرای تفسیری در مورد این بخش از آیه می‌توان گفت بررسی مفهوم مودت و رحمت طبق دیدگاه طباطبایی و جوادی آملی امری ضروری است.

با وجود هم‌بستگی فکری طباطبایی و جوادی آملی در میان مفسران پیرامون پدیداری مودت و رحمت میان زوجین ولی می‌توان گفت که دو مفسر در کاربست مصداقی آن با یکدیگر اختلاف نظر دارند. طباطبایی نسبت این دو را مانند خضوع-محبت در عمل- و خشوع- تأثیر نفسانی ناشی از مشاهده عظمت کبریایی در دل- می‌داند (همان) ولی جوادی آملی مودت را نوعی گرایش طبیعی- غیر از گرایش غریزی نر و ماده- در زوجین و چیزی فراتر از محبت (علمی‌تر، دقیق‌تر و پاک‌تر از محبت) می‌داند که بعد از اطاعت و محبت از اعماق وجود به صورت کلامی و غیر کلامی به طرف مقابل منتقل می‌شود، از طرف دیگر رحمت را امری نفسانی و یک‌جانبه ایثارگرانه می‌داند که در مجموع معتقد است شأن آیه بیانگر چیزی فراتر از گرایش مادی به عنوان نشانه الهی است. (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۴۸)

بنابر اختلاف روی کرد تفسیری در مورد مفهوم مودت و رحمت ابتدا به بررسی لغوی، سپس همسوی آن نظر ارجح بیان می‌گردد. مودت از ریشه «وَدَدَ» به معنای تمایل به چیزی داشتن، (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۶۴) محبت، (طریحی، ۱۳۷۵: ۳/۱۵۹) دوست داشتن (قرشی، ۱۳۷۴: ۷/۱۹۲) و آرزو کردن (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹: ۸/۹۹) به محبت عمیقی اطلاق می‌شود که تمام وجود فرد را فرا می‌گیرد و نشانه‌های آن در رفتار (غیر کلامی) و گفتار (کلامی) به صورت علاقه و تأثیرپذیری تعاملی در قالب کنش و واکنش نمایان می‌گردد. (زمخشری، ۱۴۰۷، ۳/۴۷۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶/۱۶۷)

از طرفی رحمت نیز از ریشه «رَحِمَ» به معنای دلسوزی، (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲/۲۳۰؛ فیومی، بی تا: ۲۲۳) مهربانی، (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹: ۳/۲۲۴) احسان نسبت به شخص محروم (راغب اصفهانی ۱۴۱۶: ۳۴۷) و مغفرت و بخشایش، (فیروزآبادی، ۱۴۲۰: ۱۱۹) امری نفسانی یک جانبه، جهت همیاری انسان محروم و چشم پوشی در زندگی به کار می‌رود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶/۱۶۷) مطابق آنچه گفته شد گذشت مهربانانه از لغزش‌ها (رحمت) مکمل مودت، دو اصل اصیل در بهبود کیفیت ارتباطات زندگی زناشویی است که می‌تواند بنیان نظام خانواده را مستحکم کند که با نظر داشت ارتباطدهی معنای لغوی در ساختار آیه به نظر می‌رسد دیدگاه جوادی آملی در مقایسه با دیگر مفسران از اتقان بهتری برخوردار است.

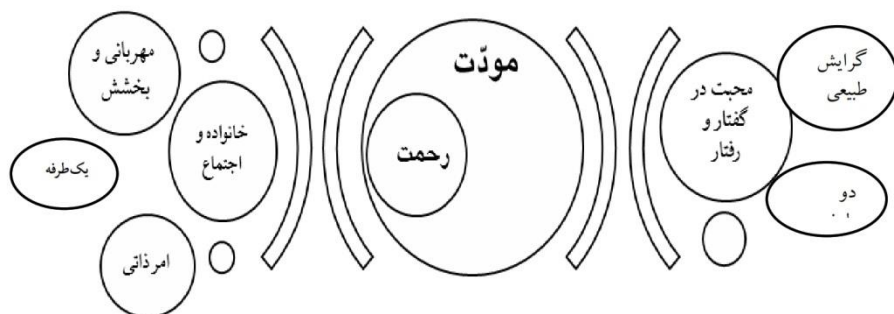
۲-۳) نقد و ارزیابی

در خصوص مفهوم مصداقی عبارت مذکور دو دیدگاه متفاوت میان مفسران وجود دارد که با ذکر کلی نظرات به تحلیل مقایسه‌ای دیدگاه طباطبایی و جوادی آملی پرداخته می‌شود. در دیدگاه نخست گروهی از مفسران در ارتباط با نوع اطلاق خَلَقَ و جَعَلَ در آیه مذکور معتقدند خالق خداوند و جاعل انسان است؛ بدین معنا که کنش فعلی مودت و رحمت به وسیله نوع انسان صورت می‌پذیرد. در این رویکرد براساس قرارداد تکوینی گرایش‌های طبیعی میان زوجین - کشش جنس مرد به زن برای جذب آرامش - و گرایش‌های اخلاقی نظیر مودت (برقراری محبت) و رحمت (آرامش‌دهی زن به مرد جهت رفع محرومیت) - به عنوان عامل ذاتی ابتدایی وجودی زن و مرد - در ازدواج، (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۸/۱۱۶) بدون هیچ‌گونه آمیزش جنسی قبلی (طبرسی، ۱۳۷۷: ۳/۲۶۲) یا آشنایی (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱/۳۲) حاصل می‌شود.

طباطبایی (در گذشته ۱۴۱۲ق) از صاحب‌نظران این رویکرد تلازم مودت و محبت زوجین در خانواده را علتی جهت برپایی رحمت برای فرزندان در تأمین نیازهای ضروری زندگی و در اجتماع عاملی برای کمک به هم‌نوعان می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶/۱۶۷) و جوادی آملی نیز همسوی با نظر طباطبایی آغازگری روابط را از زوجین و سپس آن را تا سطح جوامع بین‌الملل توسعه داده است. (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۳۳) در دیدگاه دوم نیز

برخی مفسران قائلند خالق و جاعل خداوند است که براساس قرارداد تکوینی و تشریحی (ربوبیت الهی) فضل خود را برای زن و شوهر یا نوع انسان گسترانیده است که براساس این مودت و رحمت را میان نوع انسان برای همکاری و مهربانی جهت رفع محرومیت افراد معرفی می‌کنند. (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۰/۱۸۳؛ سید قطب، ۱۴۰۸: ۵/۲۷۶۳)

مطابق توضیحات ارائه شده با در نظر گرفتن مفاد کلی آیه در جهت الوهیت، خالقیت و ربوبیت الهی می‌توان گفت نسبت جاعل بودن به غیر خداوند، دیدگاهی ناهمگون با کل آیه است و دیدگاه دوم بهتر ارزیابی می‌شود. از طرفی رویکرد طباطبایی و جوادی آملی با تعمیم مصداقی ضمیر «کم» به زوجین، اعضای خانواده و اجتماع بشری مؤید دیدگاه دوم است ولی قائلیت آنها به جاعل بودن انسان به دلیل عدم تسلط بر ساختار تفهیمی ارتباطی آیه محل اشکال است. براساس تحلیل رویکردهای مذکور می‌توان گفت نسبت «مودت» - ظهور کلامی و عملی محبت طرفین (دوستی، پیوند و ایجاد الفت) - و «رحمت» - تأثیر نفسانی یک طرفه (همدلی میان اعضای خانواده و اجتماع) - رابطه عموم و خصوص مطلق است که با پذیرش نظریه آرامش‌دهی زن به مرد می‌توان تأثیر این کنش را در واکنش‌های خانواده و اجتماع بسیار مؤثر دانست.



۳-۳ ترجمه‌های فارسی معاصر

مترجمان در بیان این بخش از آیه ترجمه‌هایی کاملاً متمایز از یکدیگر ارائه کرده‌اند که این مسأله ضرورت ارائه ترجمه صحیح را دوچندان می‌کند. در این راستا مترجمان جعل را به صورت قرارداد (موسوی همدانی، ثقفی تهرانی، نوبری و خسروی)، نهاد (مشکینی، فولادوند)، افکند (خرم‌شاهی)، به وجود آورد (بلاغی) آورده‌اند، این در حالی

است که انتصاب هر کدام از این معانی در زبان عربی مشتمل بر مفهومی خاص است. در ارتباط با مرجع ضمیر «گم» نیز موسوی همدانی، ثقفی تهرانی، خرم‌شاهی و فولادوند آن را به صورت عام (زن و مرد)؛ بلاغی، نوبری و خسروی آن را معطوف به زن و شوهر و مشکینی نیز به صورت زوجین یا افراد انسانی ترجمه کرده‌اند.

مترجمان در خصوص معنای مودت و رحمت نیز معانی متفاوتی نظیر مودت و رحمت (موسوی همدانی)، دوستی و مهربانی (ثقفی تهرانی، خرم‌شاهی و بلاغی)، علاقه دوستی و مهر باطنی (مشکینی)، دوستی و رحمت (فولادوند)، محبت و رحمت (نوبری)، محبت و مهربانی (خسروی) گفته‌اند. از سویی نوبری و خسروی نیز قائلند خداوند مودت و رحمت را بدون آشنایی و مقاربت بین زوجین قرار داده است. با توجه به تشتت ترجمه‌ها می‌توان گفت مترجمان در این بخش نیز ترجمه دقیقی ارائه نکرده‌اند. بنابراین با نظر داشت القای مفهوم خاص کلمات، ترجمه تفسیری پیشنهادی چنین است: «و میان شما (زوجین و نسلتان) دوستی (محبت عمیق دو طرفه کلامی و غیر کلامی برای گرایش طبیعی و پیوند و ایجاد اُلفت جهت ازدواج و تشکیل خانواده) و مهربانی (مهر ذاتی انسانی یک طرفه جهت همدلی با یکدیگر در خانواده و اجتماع) قرار داد.»

نتیجه‌گیری

یکی از راه‌های اصلی کشف مراد حقیقی شارع، تحلیل ساختار ارتباطی آیه در راستای ساختار هندسی سوره است که در این تحقیق نوع ارتباط مفاد اصلی آیه بیست و یک سوره روم با طرح محورهای سه‌گانه بیان شد. در محور نخست علی‌رغم اهمیت مفهوم واژه آیات مفسران و مترجمان بدان اهمیتی نداشته‌اند به گونه‌ای که طباطبایی معنای آیه را نشانه الهی و جوادی آملی نیز با نگاهی گذرا جهان هستی را آیت حقانیت توحید می‌داند. بر این اساس پژوهش حاضر با بررسی ساختاری کارکرد برون‌آیه‌ای (معناشناسی) و درونی (مدل یا کوبسن) واژه آیات منتج به همسوگرایی هدف غایی آیه (نشانه توحیدی) در راستای هدف اصلی سوره (معاد) شد که این مسئله با تشریح محور دوم و سوم نمایان‌تر گردید.

در راستای کشف مفهوم ساختاری واژه آیات در ابتدا و انتهای آیه به عنوان مقدمه و نتیجه می‌توان گفت تحلیل عبارات میانی آیه به عنوان مفاد اصلی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. به عبارتی در محور دوم طباطبایی دیدگاهی مقارن با نیازهای فطری ابتدایی انسان - آرامش جسمی با ارضای میل جنسی زن و مرد - ارائه داده است و جوادی آملی نیز با طرح تساوی خلقت زن و مرد به حکیمانه بودن فعل خداوند در راستای تفاوت مسئولیت‌ها به اهمیت فضیلت خاص زن در آرامش‌دهی به مرد اشاره می‌کند. با تدقیق مجموع ارتباط مفهومی آیه می‌توان گفت نشانگری فضیلت تکوینی توحیدی سکینت‌بخشی زن به مرد یکی از راه‌های رسیدن به خداوند است که به جریان همیشگی کسب کنش (آرامش روحی به‌ویژه از جنس زن) و ایجاد واکنش‌هایی (مودت و رحمت) در خانواده و اجتماع اشاره می‌کند.

در محور سوم معنای مستفاد طباطبایی و جوادی آملی در مورد مودت و رحمت نیز با یکدیگر متفاوت است. طباطبایی مودت را محبت عملی و رحمت را تأثیر نفسانی می‌داند ولی جوادی آملی مفاد مودت را چیزی فراتر از محبت - کلامی و غیر کلامی - و رحمت را امری نفسانی و یک‌جانبه‌ایثارگرانه تلقی می‌کند. بر این اساس می‌توان گفت با پذیرش نظریه آرامش‌دهی روحی زن به مرد و تأثیر این کنش در بروز واکنش‌هایی در خانواده و

اجتماع نسبت مودت- ظهور کلامی و عملی محبت طرفین (دوستی، پیوند و ایجاد اُلفت) - و «رحمت» - تأثر نفسانی یک طرفه (همدلی میان اعضای خانواده و اجتماع) - به عنوان رابطه عموم و خصوص مطلق ارزیابی می‌شود.

با توجه به ارزیابی‌های صورت گرفته می‌توان گفت مترجمان در ترجمه برخی عبارات آیه نامناسب عمل کرده‌اند، بدین ترتیب نمی‌توان ترجمه متقنی معرفی کرد. ترجمه پیشنهادی آیه عبارت است از: «و از جمله نشانه‌های خداوند خلقت زن برای شما مردان از حقیقت واحده خودتان است تا به سوی آن‌ها آرامش یابید و میان شما دوستی و مهربانی قرار داد؛ قطعاً در آن، نشانه‌هایی برای متفکران است.» از طرفی مطابق دلایل مکتسبه پژوهش می‌توان گفت در عصر حاضر با توجه به یکسان‌انگاری ایفای نقش‌های زن و مرد در خانواده و اجتماع، ارائه منطوق صحیح کلام الهی در راستای برجسته‌سازی نقش آفرینی زن جهت کاربست تعالی بخش آن در تحکیم و بالندگی نظام خانواده و به تبع آن کاهش آسیب‌های اجتماعی در جوامع مختلف از اهمیت بسیاری برخوردار است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، اصل عربی؛ نیز، ترجمه فارسی بهاء‌الدین خرم‌شاهی، عبدالحججه بلاغی، عبدالمجید صادق نوبری، علی مشکینی اردبیلی، محمد ثقفی تهرانی، محمدباقر موسوی همدانی، محمد مهدی فولادوند.
۲. آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵ق) *روح المعانی*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳. ابن عاشور، محمدطاهر، (۱۴۲۰-۱۴۲۱ق) *التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
۴. ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۱۵ق) *معجم مقاییس اللغه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۵. ابن منظور، ابوالفضل، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق) *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر للطباعه والنشر و التوزیع.
۶. ابن هشام، عبدالله بن یوسف، (۱۳۷۸) *مغنی الادیب*، قم، نهاوندی.
۷. احمدی، بابک، (۱۳۹۴) *از نشانه‌های تصویری تا متن*، تهران، مرکز.
۸. جفری، آرتور، (۱۳۷۲) *واژه‌های دخیل در قرآن مجید*، به کوشش فریدون بدره‌ای، تهران، توس.
۹. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۸) *زن در آینه جلال و جمال*، قم، اسراء.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، (۱۴۰۱) *تسنیم*، قم، نشر اسراء.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۳) *خانواده متعادل و حقوق آن*، قم، اسراء.
۱۲. چندلر، دانیل، (۱۳۸۷) *مبانی نشانه‌شناسی*، ترجمه مهدی پارسا، تهران، سوره مهر.
۱۳. حمیدی، شیما، قائمی‌نیا، علیرضا، رضایی اصفهانی، محمدعلی، (بهار ۱۴۰۲) «تحلیل نشانه‌شناسی مفهوم «آیه» در قرآن با کاربری مدل ارتباطی یا کوبسن»، پژوهش‌نامه معارف قرآنی، شماره ۵۲.
۱۴. خامه‌گر، محمد، (۱۳۸۶) *ساختار هندسی سوره‌های قرآن*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

۱۵. خلیل بن احمد، (۱۴۰۹-۱۴۱۰ق) العین، قم، مؤسسه دارالهجره.
۱۶. دسوقی، ابراهیم، (۲۰۰۶م) المجال الدلالی للفعل و معنی حرف الجر، قاهره، دار غریب.
۱۷. دعاس، أحمد عبید، حمیدان، أحمد محمد، (۱۴۲۵ق) إعراب القرآن الکریم، دمشق، دار المنیر و دار الفارابی.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۶ق) مفردات الفاظ قرآن، دمشق، دار القلم.
۱۹. زمخشری، محمود، (۱۴۱۴-۱۴۰۷ق) الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دار الکتب العربی.
۲۰. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۰۴ق) الدر المنثور، قم، کتابخانه مرعی.
۲۱. شهبازی، اصغر، (تابستان ۱۳۹۸) «زیباشناسی حروف جاره در آیات قرآن کریم از نگاه زمخشری»، معارف قرآنی، سال دهم، شماره ۳۷.
۲۲. صادقی تهرانی، محمد، (۱۳۶۵) الفرقان، قم، فرهنگ اسلامی.
۲۳. صفوی، کوروش، (۱۳۹۴) آشنایی با نشانه‌شناسی ادبیات، تهران، علمی.
۲۴. عبدالباقی، محمد فؤاد، (۱۳۶۴ق) المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، قاهره، دارالکتب المصریه.
۲۵. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق) المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۷-۱۳۷۸) جوامع الجامع، قم، حوزه علمیه قم.
۲۷. طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵) مجمع البحرین، تهران، المکتبه المرتضویه.
۲۸. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق) التفسیر الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۹. فضل الله، محمد حسین، (۱۴۱۹ق) من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک للطباعه و النشر و التوزیع.
۳۰. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۰ق) القاموس المحیط، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۱. فیض کاشانی، محسن، (۱۴۱۵ق) الصافی، به کوشش حسین اعلمی، تهران، انتشارات الصدر.

۳۲. فیومی، احمد بن محمد، (بی تا) مصباح المنیر، بی جا، بی نا.
۳۳. قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۴) / حسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت.
۳۴. قطب، سید، (۱۴۰۸ق) فی ظلال القرآن، بیروت، دارالمشرق.
۳۵. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، (۱۳۶۸) کنز الدقائق، تهران، مؤسسه الطبع و النشر.
۳۶. کمالی، علی، (۱۳۷۳) «ترجمه قرآن و پیش نیازهای آن»، بینات، سال اول، شماره ۲.
۳۷. مروتی، سهراب، ناصری کریموند، امان الله، «معیارهای علامه طباطبایی در بررسی و نقد
۳۸. دیدگاه‌های مفسران در تفسیر المیزان»، (زمستان ۱۳۹۱) مشکوه، شماره ۱۱۷.
۳۹. مشکور، محمدجواد، (۱۳۵۷) فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
۴۰. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰) التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، نشر الکتاب.
۴۱. میدی، احمد بن محمد، (۱۳۷۱) کشف الأسرار و عده الأبرار، تهران، امیرکبیر.
۴۲. نوری افشان، مهدی، فتوت احمدی، حامد، (پاییز ۱۴۰۱) «تأملی در سبک زندگی توحیدی بر پایه معنانشناسی واژه «آیه» در قرآن کریم»، مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، شماره ۳.
۴۳. واعظزاده خراسانی، محمد، المعجم فی فقه لغه القرآن، مشهد، مؤسسه الطبع التابعة
۴۴. للاستانه الرضویه المقدسه، (۱۳۸۰).